

---

# گلستانه



نگاهی به سفالینه‌های منقوش اوژن سیروسی\*  
نگارخانه اثر - پائیز ۱۳۸۸ - تهران

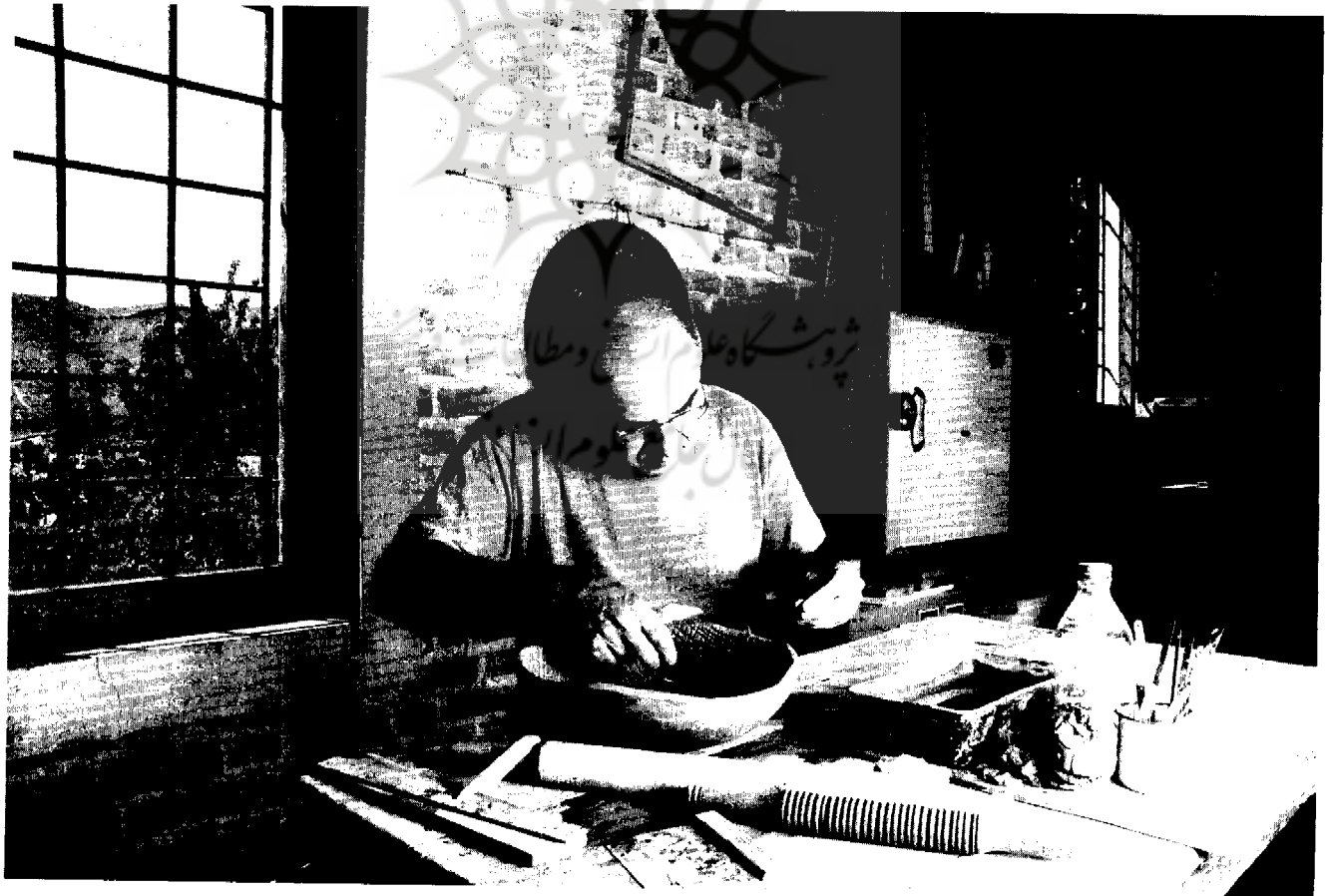
# از نیشابور تا جاجرود

احمد رضا دلوند

ماده اولیه سفالگری عمری به درازای خفت انسان دارد: «خلق  
الانسان من صلصال کالفخار» (همانا آفریدیم انسان را از گل)  
سفالگری در طول تاریخ، با تأثیر گرفتن از اعتقادات مذهبی یا با  
ضرورت‌های زندگی اجتماعی، مثل کشاورزی، دادوستد و... در  
اعصار مختلف تکوین و تکامل یافته است.

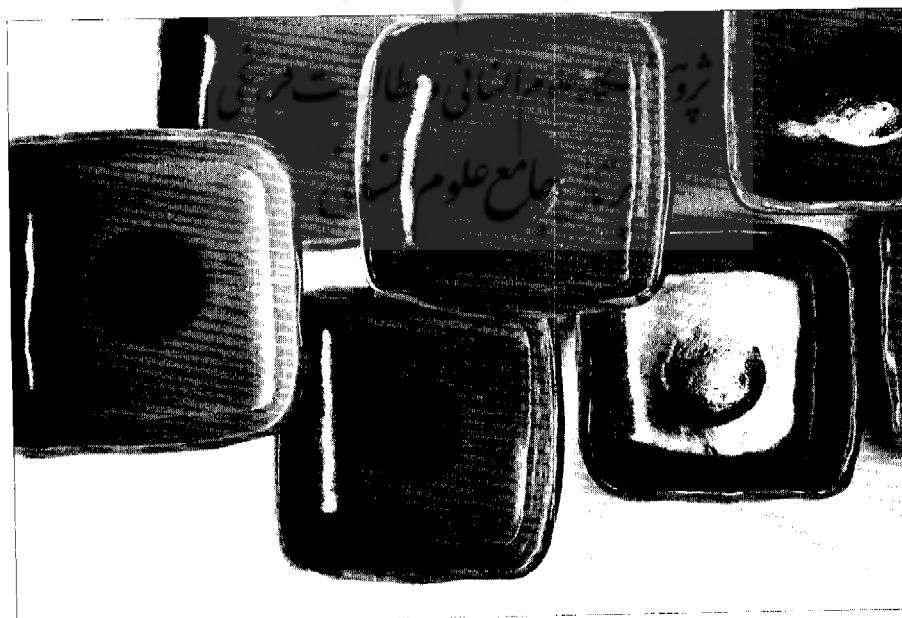
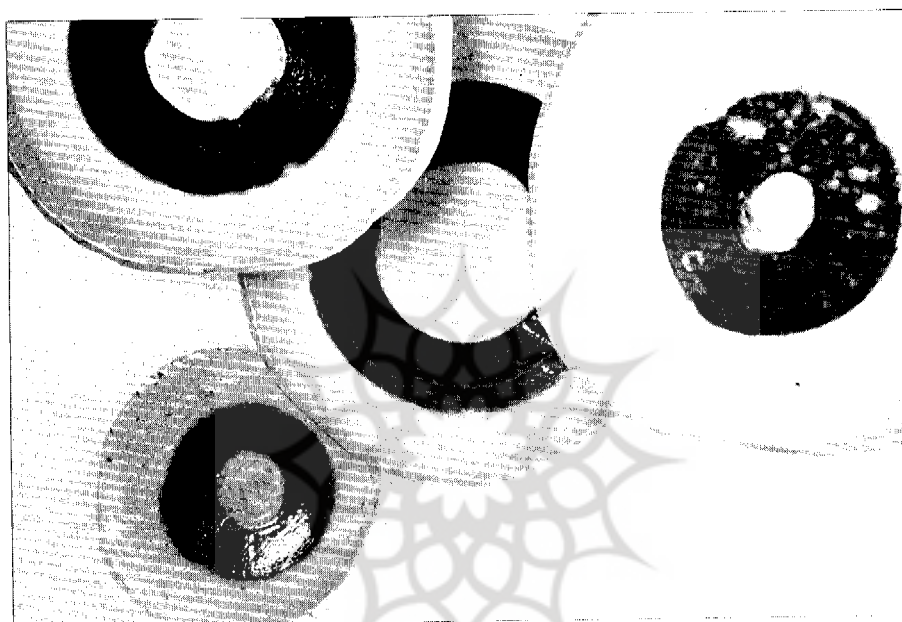
هنرها

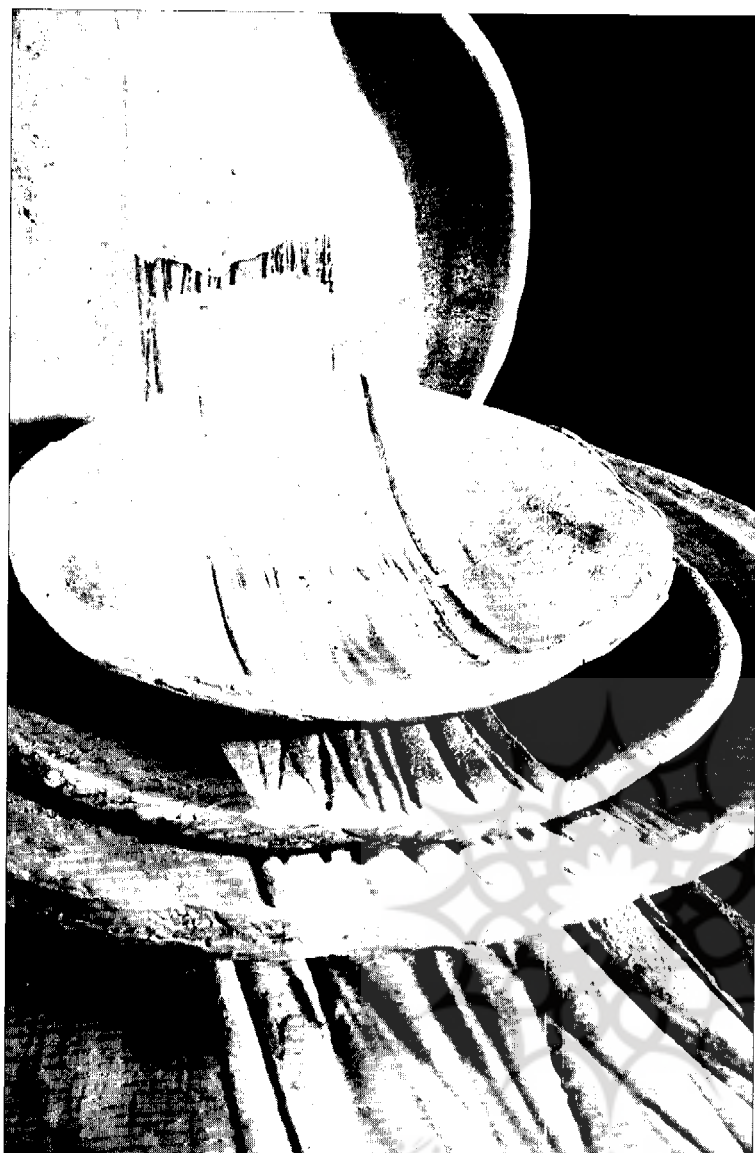
گل، ماده اولیه سفالگری است و قابلیت شکل‌پذیری بی‌مانندی دارد. نکته حائز  
اهمیت در سفالگری آن است که ظروف سفالی هرچه قدر ظاهراً به هم شبیه  
باشند، اما هرگز یکسان نیستند و بی‌تردید این نکته، اشاره‌ای است رمزآلود به  
جوهر آدمی و یادآور این راز بزرگ که وجود آدمی حقیقتی یگانه است.



پژوهشگران دریافته‌اند که در میان تمام آثار دست‌ساخته بشری، تنها سفال است که با گذشت قرن‌ها، به همان شکل زمان ساخت باقی می‌ماند و مثل آثار هنری دیگر همچون چوب، فلز، انواع بافته‌ها و... نمی‌پوسد، زنگ نمی‌زند و اکسیده نمی‌شود.

انسان‌های اولیه، از وقتی به فکر ذخیره آب و غذا افتادند و به خاصیت چسبندگی و شکل‌گیری گل رس پی بردند، ظروف سفالین را به اشکال مختلف ساختند. اما در شرایط حاضر، سفالگری که به آن «فخاری» هم می‌گویند، هنری است که به حاشیه رانده شده و کمتر از اهمیت خود به آن پرداخته می‌شود.



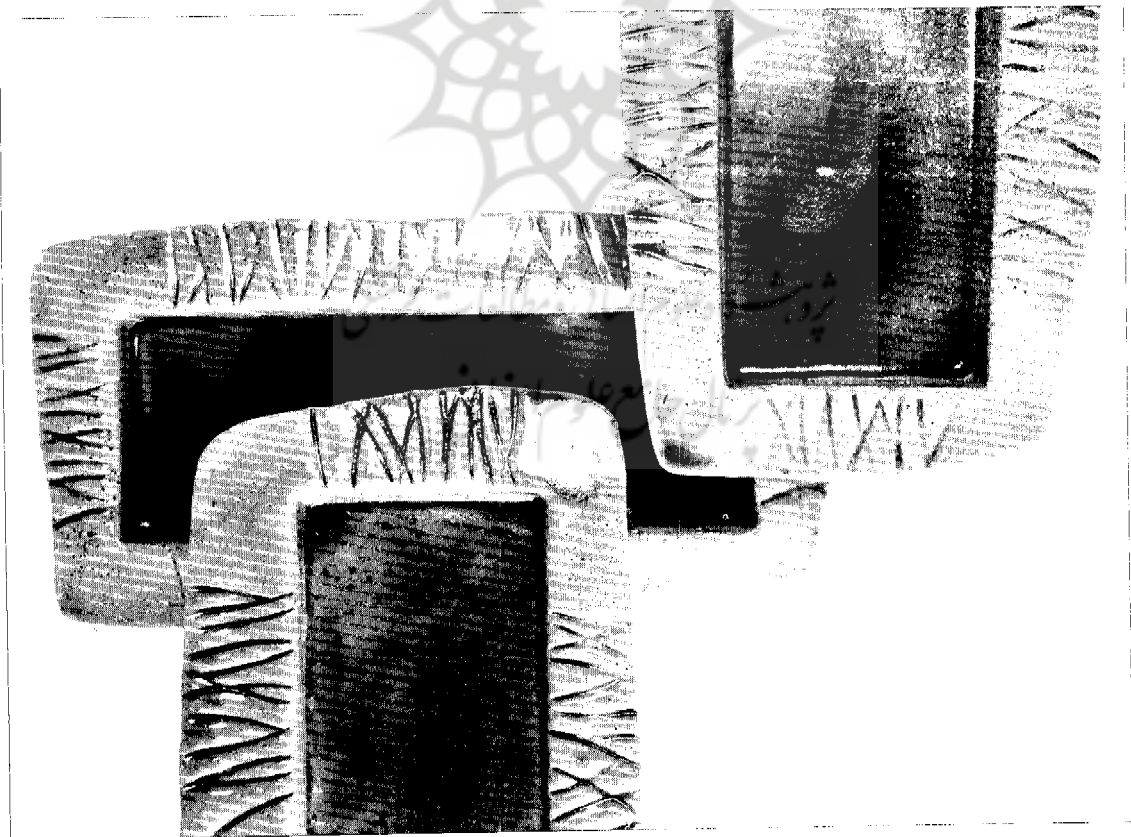
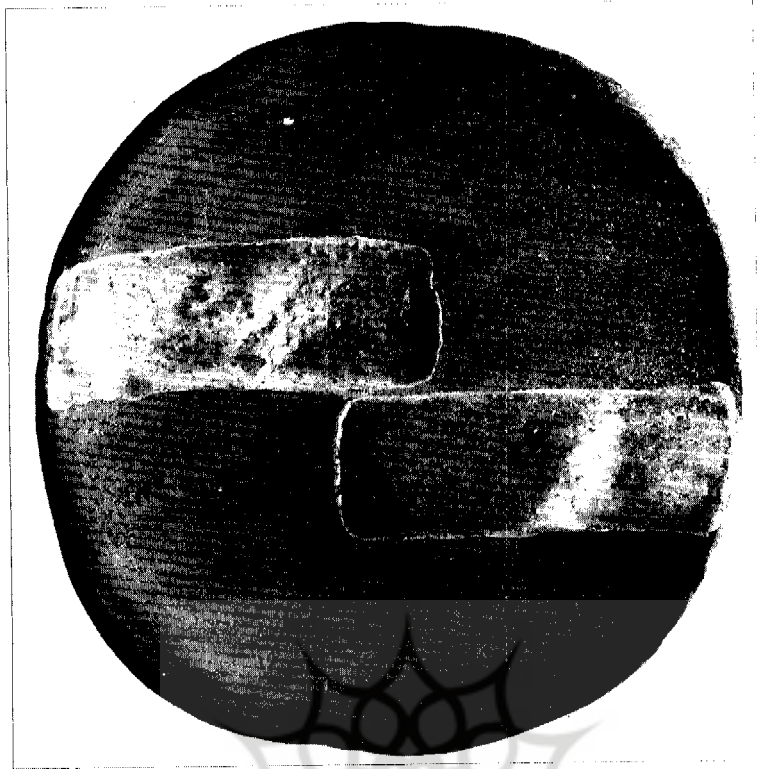


درحالی‌که، روزگای سفالگری که در واقع یک هنر- صنعت است، یکی از وجوه اقتصاد، صنعت و فرهنگ ما بوده و از شوش تا مدائن، همدان، زنجان، کاشان، ساوه، از سلطان آباد تا افراسیاب، نیشابور، آمل... به دست ماهر و ذهن خلاق هنرمندان ایرانی تولید می‌شده است که هم‌اینک نمونه‌های حیرت‌آوری از آثار نیاکان‌مان را می‌توانیم در موزه‌های بزرگ دنیا، از جمله موزه متروپولیتن، سن پترزبورگ، مونیخ، لندن، نیویورک، پاریس... مشاهده کنیم. آثاری که در قرن بیست و یکم می‌توانند تأثیر سحرانگیز و حضور پرنفوذ خود را به اذهان مردمان این دوران دیکته کنند. با دیدن یک قطعه ظرف سفالی هزار سال پیش ایران، هر نگاه‌بی‌طرفی اذعان می‌کند که این اثر از یک جامعه با فرهنگ و فرهیخته برخاسته است. اتفاقاً در زمانه ما، سفالگری ایرانی با تکیه بر گنج عظیمی که نیاکان‌مان برای ما به‌جا گذاشته‌اند و نیز با اعتنا به زیبایی‌شناسی معاصر جهان، می‌تواند هم به‌عنوان اثر هنری صرف و هم در مصارف کاربردی بازارهای قابل‌توجهی را فتح کند. آثار اوژن سیروسی از چنین منظری سخت قابل‌اعتنا هستند. سفالینه‌های منقوش سیروسی ملتقای دلچسبی از معیارهای مدرن و زیبایی‌شناسی ناب تاریخ ایران را به نمایش می‌گذارند. هرچند که اوژن سیروسی در این نمایشگاه عمدتاً ظرف‌هایی را ارائه کرده بود که بیشتر جنبه مصرفی داشتند و این مساله همواره با سفالگری در طول تاریخ ملازم بوده است؛ اما نگاه مخاطب امروزی به دنبال قطعات سفالی است که همانند یک اثر هنری آن را به درون خانه خود ببرد و به زیبایی‌شناسی محیط زندگی اش بیفزاید.

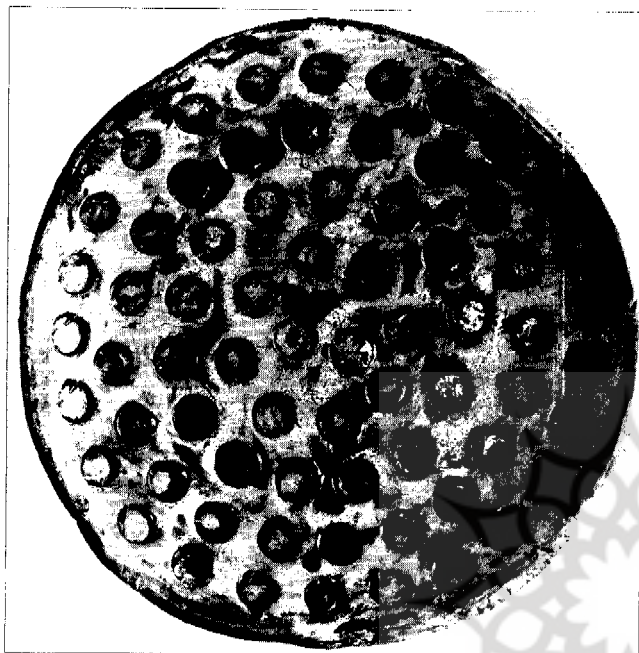
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی





اما بی تردید سیروسی می‌داند که استفاده از یک ظرف شیرینی‌خوری یا بطری، لیوان، بشقاب، سینی و... آن‌هم با این آماده سازی و کار هنرمندانه‌ای که او بر روی آن‌ها انجام می‌دهد، همان وظیفه را به انجام می‌رساند. نوشیدن آب از چنین ظرف‌هایی، خنکایی دارد که با هیچ ظرف دیگری قابل مقایسه نیست... قرار دادن بشقاب‌های دست ساختهٔ اوژن بر روی میز، چه پر از میوه و شیرینی باشند و چه به تنهایی، ابعاد دیگری به چشم‌انداز می‌بخشند و ارزش چوب، گلیم، قالی، شیشه و... را صدچندان می‌کنند. در واقع می‌خواهم بگویم هرچه زودتر باید به فکر بود تا این هنر - صنعت از محدودهٔ اقتصاد کوچک خانگی و نمایشگاه‌هایی که یکی دو هفته برگزار می‌شود و فقط عده‌ای علاقه‌مند را به خود جلب می‌کنند خارج شده و در جایگاه خودش که تاریخ طولانی بشر آن را تضمین می‌کند، قرار بگیرد.



چه‌گونه می‌توان از کنار سفال ایرانی، این دست‌ساخته نیمه‌صنعتی که مشحون از جذبه‌ها و زیبایی‌های انحصاری خود است، گذشت؟ چه‌گونه می‌توان این میراث عظیم را ندید و آن را تبدیل به یکی از اهرم‌های قابل‌اعتنای اقتصادی و فرهنگ معاصر نکرد؟ حتماً لازم است ترک‌ها، عرب‌ها، چینی‌ها... دست روی آن بگذارند، آن را تبدیل به ارث پدری خود نکنند، در بازارهای جهانی به فروش برسانند و از داشته‌های ما، یکی دیگر را مصادره کرده و به ما ریشخند بزنند؟ سوئیس کشور بسیار بسیار کوچکی است با سیصد و سی هزار نفر جمعیت همه مادهٔ اولیه شکلات‌سازی‌اش را وارد می‌کند، اما با تولید آن، درآمدی به اندازه صادرات نفت ما نصیب‌اش می‌شود. طراحی و بسته‌بندی شکلات سوئیسی، این محصول غیر بومی سوئیس را به یک «برند» بین‌المللی تبدیل کرده است. بگذریم از بانکداری سوئیسی، ساعت سوئیسی، فرزند دیجیتال سوئیسی و... اگر به این بهانه از سفالگری ایرانی می‌گوئیم، برای آن است که اگر یک قلم همین اوژن سیروسی را به سوئیس اعزام کنند، از او و نظایر او چنان سفال سوئیسی‌ای بیرون می‌کشند که همگان نیشابور و همدان و ری و سمرقند را فراموش کنند، اگر به این بهانه صحبت از سفالگری ایرانی به میان آورده‌ایم، مگر نه آن است که می‌توانیم سیاهه طولانی از میراث تاریخی خود را نام ببریم که جملگی بر اثر تجاهل و تغافل، از سکه افتاده‌اند، چندتایش را نام ببرم؟ قالی، گبه، گلیم، کاشی، صحافی، کتاب‌آرایی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای (مولتی‌مدیای تصویر و متن و صدای نقال)... ادامه بدهم: مولوی، رودکی... و ده‌ها و صدها قابلیت دیگر که از صحنه رخت بر بسته‌اند و دیگر از نشانه‌های ذوق و هنر و صنعت و از مشاهیر ما نیستند... و نال‌هاست که آبی فیروزه‌ای ایرانی دیگر پلی متوازن میان این اقلیم خاکی و آسمان فراخ ایران زمین نیست. در این شرایط، هنرمندانی مثل اوژن سیروسی که تعدادشان هم کم نیست، همچون گوهر شب‌چراغ‌اند.



\* کارگاه سفالگری اوژن سیروسی در کنار جاجرود واقع است.